

The Herbedestan and Nerangestan
Vol. II: Nerangestan, Fragard 1
 Edited and translated by
 Firoze M. Kotwal and Philip G. Kreyenbroek
 with contributions by James R. Russel
 Studia Iranica, Cahier 16
 PARIS, 1995. 144 pages

«هیربدستان و نیرنگستان»
 جلد دوم: نیرنگستان، فرگرد ۱

دو کتاب هیربدستان و نیرنگستان با این که موضوعشان تا حدی متفاوت است، در دو نسخه خطی موجود با هم آمده و پیش از این تماماً به چاپ رسیده اند. هر دو متن در اصل به زبان اوستایی نوشته شده، اما به پهلوی ترجمه شده و بر ترجمه پهلوی نیز جای جای تفاسیری افزوده گشته است. هر دو نسخه خطی کتاب قبلاً به صورت عکسی، یکی در سال ۱۸۹۴ (نسخه HJ) و دیگری در سال ۱۹۸۰ (نسخه TD) به چاپ رسیده و کار پژوهش در این دو متن دشوار را تا حدی آسانتر کرده است. هیربدستان به معنی مجموعه قواعد و آداب مربوط به تعالیم دینی (هیربدی) و نیرنگستان مجموعه قواعد و دعاهای مرتبط با آیینهای دینی زردشتی است. درباره متن اوستا تحقیقات بیشتری انجام گرفته، اما متن پهلوی به سبب دشواریهایش و نیز به علت موضوعاتش کشش کمتری برای محققان داشته است. تصحیح انتقادی این دو متن و ترجمه آنها علاوه بر دانستن زبان پهلوی و مهارت در خواندن نسخه های خطی این زبان، نیاز به آگاهی دقیق از چگونگی آیینهای دینی زردشتی دارد. از این رو، همکاری دو دانشمند را می طلبد: فیروزه کوتوال، دستور پرآوازه پارسیان هند که کتابها و مقالات پیشین او و نیز مقالاتی که به اشتراک خانم مری بویس (Boyce)، ایران شناس نامی عهد ما، نوشته نمایانگر تبحر او در ریزه کاریهای آیین زردشتی است، و فیلیپ کرینبوروک که کتاب او درباره ایزد سروش (Sraosa) و مقالاتش دلالت بر علاقه او به پژوهشهای دینی زردشتی و متون پهلوی دارد. این دو دانشمند در سال ۱۹۹۲ متن انتقادی آوانویسی شده هیربدستان را همراه با ترجمه انگلیسی و تعلیقات و واژه نامه به چاپ رسانیدند و بر آن بودند که نیرنگستان را نیز به صورت بخشهای جداگانه منتشر کنند و اکنون بخش اول آن که مشتمل بر فرگرد نخست این کتاب است، در مجموعه انتشارات انجمن پیشبرد مطالعات ایرانی در سال

۱۹۹۵ در پاریس منتشر شده است. علاوه بر دو دانشمند نامبرده، جیمز راسل نیز که در ابتدا با کوتوال در آماده سازی متن همکاری داشته در این پژوهش سهیم است.

در مقدمه کتاب مؤلفان به توصیف کتاب و سوابق پژوهشهای انجام یافته، خصوصاً تحقیقات دارمستر و بارتولومه درباره متن اوستایی و کتاب پر ارزش (Waag) که ترجمه پهلوی نیرنگستان را در بر دارد، پرداخته و به دنبال آن خلاصه ای از مطالب ۲۲ فصل از فرگرد نخست این کتاب را ذکر کرده اند تا خواننده پیش از خواندن متن پهلوی و ترجمه انگلیسی با موضوعات مورد بحث آشنا شود (صفحات ۱۳ تا ۱۸). در این فصول مطالبی از این قبیل بحث شده است: شرکت غیر روحانیان در مراسم دینی گاهنبارها (= جشنهای ششگانه سال) و گناه عدم حضور آنان (فصل ۱)؛ عدم محدودیت تعداد دستیاران روحانی اصلی اجراکننده مراسم دینی (یزش) (فصل ۲). روحانی اصلی اصطلاحاً «زوت» و روحانی دستیار وی «راسپی» نامیده می شود؛ چگونگی همکاری متقابل و هماهنگی زوت و راسپی ها در اجرای مراسم دینی (فصل ۳)؛ در مورد این که در چه شرایطی راسپی می تواند بخشهایی از دعا را بخواند (فصل ۴)؛ چگونگی دعا خواندن زوت و راسپی و هماهنگی آنان در خواندن و فاصله زمانی بین خواندن آنان (فصل ۵)، در مورد این که دو «زوت» با هم به خواندن دعا پردازند (فصل ۶)؛ حضور شخص روحانی به نیابت از فرد غیر روحانی بی آن که در خواندن دعا شرکت داشته باشد. در تفسیر متن این قسمت مطلب جالب توجهی درباره «خرفستران» (خزندگان و حشرات موذی) که کشتن آنها در دین زردشتی ثواب محسوب می گردد، آمده است. از متن چنین استنباط می شود که روحانیانی بوده اند که این گونه جانوران را نگاه می داشته اند تا آنها را به مؤمنانی که قصد رسیدن به ثوابی را داشته اند، بفروشد. چنین کسانی آنها را می خریده و می کشته اند و ثواب آن هم به فروشنده و هم به خریدار می رسیده است. اما مسأله ای که مطرح شده این است که برای نگاهداشتن این جانوران اهریمنی بایستی به آنها غذا داد و این کار طبعاً مستلزم ارتکاب گناهی ست. بنا بر این در این باره قوانینی ذکر شده است (فصل ۷)؛ خواندن اوستا با صدای رسا (فصل ۸ و ۹)، مراسم «درون» (فصل ۱۰)؛ مسأله نوشیدن مسکرات و مستی در هنگام خواندن گاهان (فصل ۱۱ و ۱۲)؛ روحانیان در اجرای مراسم دینی به دو گروه تقسیم می شوند و نیز درباره مقررات اجرای مراسم دینی مختلف مانند «ویسپرد»، «هوماست»، «ستوش»، «گیتی خرید» و مانند آنها (فصل ۱۳)؛ آداب خواندن اوستا (فصل ۱۴)؛ درباره تعداد دفعاتی که دعا باید خوانده شود (۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸)؛ مطالبی درباره چگونگی آیینی که روحانی مجری آن در هنگام اجرا نیاز

به قضای حاجت پیدا کند و نیز درباره خطاهای محتمل «زوت» در هنگام اجرای اعمال دینی (فصل ۱۹)؛ درباره «زوت» و «راسپی» هایی که شرایط لازم برای اجرای مراسم دینی را نداشته باشد (فصل ۲۰، ۲۱)؛ درباره این که مرد و زن و بچه (این دو با شرایطی) می توانند به عنوان «زوت» مراسم دینی را برگزار کنند (فصل ۲۲).

می دانیم که در کتاب هشتم دینکرد مطالب اوستای موجود در عهد ساسانی خلاصه و فهرست وار آمده است. مؤلفان بخش مربوط به نیرنگستان را در مقدمه کتاب (ص ۱۹ تا ۲۳) به صورت آوانویسی نقل کرده و به انگلیسی برگردانیده و مطالب آن را تا آن جا که میسر بوده با نیرنگستان موجود تطبیق داده اند. چند نکته در قراءت و ترجمه کلمات و جملات به نظر نگارنده این سطور رسیده است:

در بند (۵) کلمه madayan را «اساساً» (essentially) ترجمه کرده اند. در این مورد و نظائر آن در کتاب هشتم دینکرد، این کلمه به معنی «کتاب، رساله» است.

در بند (۶) کلمه «سامان» را علامت مرزما (boundary markers) ترجمه کرده و در حاشیه ۵ ص ۲۲ حدس زده اند که شاید کلمه «نظم و ترتیب» (arrangement) معنی دهد. به نظر نگارنده این کلمه در این جا به معنی «حد و میزان» است. واژه ربط «و» را که پس از آن آمده باید به i (نشانه اضافه) تصحیح کرد و ترجمه جمله چنین می شود: «درباره میزان صدا در خواندن اوستا در هنگام اجرای آیین دینی». مطلب درباره بلند یا آهسته خواندن (زمزمه) است. همین معنی را «سامان» در بند (۱۲) دارد، یعنی «حد و حدود و میزان» (هریک از اوقات پنجگانه شبانه روز). مؤلفان آن را «ترتیب» (order) معنی کرده اند.

کلمه ewenag در پهلوی چندین معنی دارد یکی از آنها معادل آیین (= رسم) فارسی و معنی دیگر «نوع» است. در بند (۱۳) مؤلفان کلمه را که به صورت جمع آمده به معنی اول (customs) گرفته و جمله را چنین ترجمه کرده اند:

“On the customs of giving something of one’s own for the Gahambar and other meritorious purposes being authorised”.

به نظر نگارنده معنی دوم در این جا مناسبتر است و جمله را باید چنین ترجمه کرد: «درباره انواع مایملکی <که> شخص مجاز است برای (مراسم) گاهنبار یا کارهای خیر دیگری بدهد».

بند (۴۰) را چنین ترجمه کرده اند:

“On the need to carry out acts of worship, deeds and judgements with a good

beginning and a good result in view...»

در این ترجمه چندین اشکال هست: (۱) کار و دادستان در پهلوی یک ترکیب مزجی (hendiadys) است به معنی «امور» نه دو کلمه به معنی «اعمال» و «قضاوتها» ست و - ان در آخر «کاران» را باید احتمالاً سهواً القلم کاتب به شمار آورد. (۲) ezisn ... kunisn در این جا اسم مصدر لزومی ست و باید آن را «لازم است به اجرا در آورد» ترجمه کرد. (۳) حرف اضافه موخر است به معنی «برای: به این منظور که». جمله را باید چنین ترجمه کرد: «در باره این که برای خوب آغاز کردن (تحت اللفظی «بی افکندن») و خوب به انجام رسانیدن امور، باید آیین دینی (ezisn: یزش) را اجرا کرد...».

تعلیقات عالمانه کتاب پُر است از مطالب جالب توجه و دوواژه نامه پایان آن (اوستایی و پهلوی) همگان را به کار آید. مؤلفان با انتشار این متن دشوار گام بزرگی را در پیشبرد مطالعات ایرانی باستان برداشته اند. علاقه مندان در انتظار جلدهای بعدی کتاب اند.

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران

John Perry

ج . ۰ بری

Les Iraniens d'Istanbul
sous la direction de
Th. Zarcone et F. Zarinr-baf shahr
Institut Francais de Recherches en Iran,
Institut Fancais d'Études Anatoliennes
Paris-Téhéran-Istanbul, 1993, pp.xii + 280

ایرانیان استانبول
زیر نظر ثیری زکن و فریبا زرین باف شهر
انجمن ایران شناسی فرانسه، انجمن
فرانسوی
مطالعات آسیای صغیر،
پاریس - تهران - استانبول ۱۳۷۲ / ۱۹۹۳

ایرانیان - از بازرگانان ارمنی و ترک آذربایجانی گرفته تا آزادینخواهان گریخته تبریز و تهران - از اوایل صفویه تا سده بیستم میلادی در پایتخت عثمانی می زیسته اند، کار تجارتمندی و مذهبی آنها و تماس با روشنفکران عثمانی به مرور در قرن نوزدهم افزایش یافته است و کوشش سیاسیشان در دوره مشروطیت و انقراض قاجاریه به اوج رسیده.